

Designing and validating the educational strategies of multi-level classes based on global experiences and assumptions

Leila Ahmadi, Jafar Ghahramani✉, Mohamad Azimi

Abstract

Background and Aim: Multi-grade classes are among the curricula used for teaching and training in rural and deprived areas. The conditions in these areas force the educational system to form multi-level classes. This research aims to design and validate the educational strategies of multi-level classes based on global experiences and assumptions. **Methods:** The current analytical/descriptive research is of a mixed exploratory type carried out quantitatively and qualitatively. The statistical community in two sections includes authentic documents and texts, experts in the field of primary education and university professors in the field of education and educational management, all experts related to There were multi-level classes that 20 people were selected from the community of experts as a sample in a purposeful way (criterion-based) as a statistical sample. Quantitative and qualitative methods were used to analyze the research questions. In order to design the famous educational approaches of multi-grade classes based on global experiences and assumptions using documents, The study of authentic texts was used using the method of interviews with university professors. **Results:** The findings showed that the themes extracted from the interviews with professors and curriculum planning experts consisted of 5 main themes and 41 sub-themes, and these five main patterns obtained were curriculum objectives, effective teaching methods, use of educational standards, fundamental challenges, and qualitative evaluation. **Conclusion:** The results of this research showed that the validity of the model designed based on the extracted features was evaluated by appropriate experts.

Received: 08.12.2020

Revision: 13.02.2021

Acceptance: 18.02.2021

Keywords:

Teaching multilevel classes, educational strategies, validation

How to cite this article:

Ahmadi, L., Ghahramani, J., & Azimi, M. Designing and validating the educational strategies of multi-level classes based on global experiences and assumptions. *JAYPS*, 2020, 1(1): 336-345

Article type

Original research

1. Leila Ahmadi, Department of Curriculum Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran, **2. Jafar Ghahramani**, Assistant Professor, Department of Educational Management, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran, **3. Mohamad Azimi**, Department of Elementary Education, Farhangian University, Tehran, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to **Jafar Ghahramani**, Assistant Professor, Department of Educational Management, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran
Email: ghahramani@iaum.ac.ir

طراحی و اعتبار سنجی راهبردهای آموزشی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی

لیلا احمدی، جعفر قهرمانی✉، محمد عظیمی

<p>چکیده</p> <p>زمینه و هدف: از جمله برنامه‌های درسی مورد استفاده برای تدریس و آموزش در مناطق روستایی و محروم، بهره‌گیری از کلاس‌های چندپایه است. شرایط موجود در این مناطق، سیستم آموزشی را مجاب به تشکیل کلاس‌های چندپایه می‌کند. هدف اصلی این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی راهبردهای آموزشی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی است. روش پژوهش: پژوهش حاضر تحلیلی/توصیفی، از نوع آمیخته اکتشافی است که به صورت کمی و کیفی انجام یافته است. جامعه آماری در دو بخش شامل اسناد و متون معتبر، متخصصان حوزه آموزش و پرورش ابتدایی و اساتید دانشگاهی حوزه آموزشی و مدیریت آموزشی تمامی متخصصان مرتبط با کلاس‌های چندپایه بودند که از جامعه متخصصان ۲۰ نفر به عنوان نمونه به صورت هدفمند (ملاک محور) به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل سؤالات تحقیق پیش روی، از شیوه‌های کمی و کیفی استفاده شد. جهت طراحی معروف رویکردهای آموزشی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی با استفاده از اسناد، مطالعه متون معتبر و با استفاده از روش مصاحبه با اساتید دانشگاهی چندپایه استفاده شد. یافته‌ها: یافته‌های حاصل نشان داد که مضامین استخراج شده از مصاحبه با اساتید و متخصصان برنامه‌ریزی درسی مشتمل بر ۵ مضمون اصلی و ۴۱ مضمون فرعی بود که این پنج الگوی اصلی به دست آمده عبارت بودند از اهداف برنامه درسی، روش تدریس مؤثر، بهره‌گیری از استانداردهای آموزشی، چالش‌های بنیادی و ارزشیابی کیفی. نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد اعتبار الگوی طراحی شده بر اساس ویژگی‌های استخراج شده، از نظر متخصصان مناسب ارزیابی شد.</p>	<p>دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸ اصلاح مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰</p> <p>واژه‌های کلیدی: آموزش کلاس‌های چندپایه، راهبردهای آموزشی، اعتبارسنجی</p> <p>نحوه ارجاع دهی به مقاله: احمدی، ل.، قهرمانی، ج. و عظیمی، م. (۱۳۹۹). طراحی و اعتبارسنجی راهبردهای آموزشی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی. <i>دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان</i>، ۱۱(۱): ۳۳۶-۳۴۵</p>
<p>۱. لیلا احمدی، گروه برنامه ریزی درسی، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران، ۲. جعفر قهرمانی، استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران، ۳. محمد عظیمی، گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران</p> <p>✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به جعفر قهرمانی، استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران باشد.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی اصیل</p> <p>پست الکترونیکی: ghahramani@iaum.ac.ir</p>

مقدمه

روند بین‌المللی اخیر بر مبنای توسعه راهبردهایی است که بتواند تمام دانش‌آموزان را در صورت ضرورت در یک بافت کلاسی نگه دارد (انجمن اروپایی توسعه آموزش‌های خاص، ۲۰۰۶). آموزش چندگانه مفهوم پیچیده‌ای است که آموزش فراگیر مفهوم پیچیده‌ای است که به عنوان وسیله‌ای برای افزایش مشارکت و کاهش طرد از فرهنگ، جامعه و راهبردهای آموزشی شناخته می‌شود (آن، بیربری و گابریل^۱، ۲۰۱۹).

اصطلاحات مختلفی برای توصیف موقعیتهای کلاسی وجود دارد که در آن تعدادی از سطوح چندپایه گردهم می‌آیند. این اصطلاحات شامل کلاس‌های چندپایه، کلاس‌های چندگانه، کلاس‌های ترکیبی، کلاس‌های چند سطحی، کلاس‌های گروه‌بندی عمودی، است. کلاس‌های چندپایه به عنوان دو یا چند گروهی تعریف شده است که باهم دیگر در یک کلاس گردهم می‌آیند و به‌توسط یک معلم در همان کلاس آموزش می‌بینند (کوال و اسمیت^۲، ۲۰۱۴). مدارس کوچک سهم عمده‌ای از تهیه و تدارک تحصیل جهان را تعیین می‌کنند و بیشتر در کشورهای فقیر و کم درآمد و مناطق روستایی رایج هستند. تدریس و تحصیل چندپایه که در آن معلم هم‌زمان مسئول یادگیری دانش‌آموزان در دو یا چندپایه تحصیلی است که رخدادی مشترک در این مدارس است (کرات^۳، ۲۰۱۱).

بندورا، اریکسون و ویگوتسکی^۴ (۱۹۹۷) بر این نکته تأکید کرده‌اند که کودکان باید فرصتهایی برای نگاه کردن به افراد و تقلید کردن از افراد بالغ‌تر از خود داشته باشند. بدون تردید، قسمت اعظم رفتارهای پیچیده از مشاهده‌ی رفتارهای دیگران یاد گرفته می‌شود از دید این نظریه، یادگیری اجتماعی منتج از رشدی است که به تجارب کودک و سطح پیشرفت ذهنی او بستگی دارد. کلاس‌های چندپایه، کودک را با فرصت‌های فراوانی برای رقابت کردن با کودکان دارای سطح رشدی مختلف مواجه می‌سازد. امروزه، با گسترش شهرنشینی و افزایش مهاجرت از روستا

به شهر، به دلیل کمبود امکانات رفاهی و اشتغال و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، جمعیت ساکن روستا و به تبع آن جمعیت دانش‌آموزی آن کاهش یافته است و رویکرد کلاس‌ها و مدارس از تک پایه به چندپایه و در مواردی به چندپایه تبدیل شده‌اند (فضلی، ۱۳۸۹).

رویکرد آموزشی چندپایه با وجود فرصتهایی که دارد، همواره خود را با چالش‌هایی روبرو می‌بیند که پوشش و به حداقل رساندن آن نقش مهمی در تحقق اهداف والای آموزش و پرورش و همچنین کلاس‌های چندپایه، ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها که امروزه ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود مشغول کرده است سازگاری برنامه درسی چندپایه است (کاری^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). برنامه‌ریزی درسی، مستلزم مشارکت کلیه نیروهای اثرگذار و درگیر در مراحل گوناگون تصمیم‌گیری است که در میان آن‌ها، معلمان از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردارند (اناری نژاد و ریحان پور، ۱۳۹۵). پرید مور^۶ (۲۰۰۸) چهار استراتژی جهت برنامه‌ریزی کلاس چندپایه معرفی می‌نماید که از تطبیق برنامه درسی تک پایه با چندپایه تشکیل یافته است: (پریدمور، ۲۰۰۸: ۵۶۰). شکل اول، چرخه‌ی برنامه درسی چند ساله^۷ است که در آن، به جای تدریس کل محتویات موضوع در یک پایه، بخش‌های مختلف از محتویات برنامه درسی در دو یا سه پایه تدریس می‌شود. (براون، ۲۰۱۰). استراتژی دوم، برنامه درسی متمایز^۸ است که در آن شاگردان در هر گروه و پایه با تکالیف متناسب با سطح پایه آن‌ها برای یادگیری درگیر می‌شوند. استراتژی شبه تک پایه‌ای^۹ استراتژی سوم است که بعضی از ویژگی‌های تک پایه‌ای را داراست زیرا در این استراتژی، معلم گروه‌های هر پایه را به نوبت درس می‌دهد. از آن جا که کارهای گروهی به طور جداگانه دسته بندی و تدریس می‌شوند شاگردان قادر به تعقیب یا پیروی از موضوعات متفاوت یا مشابه هستند. (مولکین و هیگنز، ۲۰۰۹). استراتژی چهارم، مبتنی بر مطالب درسی و دانش‌آموزان است^{۱۰} در این روش لازم

6. Pridmore
7 - MULTI- YEAR. CURRICULUM SPOUNS
8 - Piaget
9 - Quasi- monoigrade
10 - Learner and materials- centerd

1 Ann, Bairbre, Gabrielle
2. Quail & Smyth
3 Create
4. Bandura, Ericson & Piaget
5. Karci

تجارب و مفروضه‌های جهانی است. بر این اساس سؤال اصلی تحقیق چنین مطرح می‌شود که طراحی و اعتبار سنجی الگوی مطلوب برای برنامه درسی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی چگونه است؟

روش پژوهش

برای پاسخگویی به پرسش پژوهش از روش پژوهشی ترکیبی استفاده شد. پژوهش ترکیبی، مجموعه اقداماتی برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمی و کیفی در یک واحد مطالعه به منظور شناخت مسئله تحقیق است که شامل مراحل زیر است:

در **مرحله اول** برای شناسایی وضعیت مطلوب از طریق بررسی و مطالعه مبانی نظری همچنین به دست آوردن تصویری از وضعیت موجود، تلاش خواهد شد با بهره‌گیری از نظر متخصصان و همچنین مروری بر منابع و مطالعات تخصصی، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم شود. لذا در این مرحله با بهره‌گیری از فنون مختلفی چون مرور اسناد و مدارک و همچنین از طریق مصاحبه با کارشناسان برنامه درسی و آموزشی، زمینه شناسایی و تعریف ساختار الگوی مطلوب برنامه درسی کلاس‌های چندپایه فراهم شد. در نهایت منابع تا جایی استفاده شد که اطلاعات جدیدی به دست نیامد و فقط یافته‌های قبلی تکرار شد. متخصصین شرکت کننده در این پژوهش از هر دو جنس بودند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند از متخصصان حوزه آموزش و پرورش ابتدایی و اساتید دانشگاهی در سال ۱۳۹۷ انتخاب و با انجام ۲۰ مصاحبه، در ۴۰ دقیقه برای هر مصاحبه اطلاعات به اشباع رسید و لذا مصاحبه‌های بیشتر نیاز نشد. در **مرحله دوم**، برای اطمینان از کارآمدی الگوی برنامه درسی پیشنهادی، مرحله اعتبارسنجی انجام شد. در این راستا، الگوی مطلوب پیشنهادی در اختیار متخصصان در رشته‌های مختلف از جمله برنامه‌ریزی درسی و آموزش و پرورش دبستانی قرار گرفت. از این‌رو تلاش شد تا افرادی انتخاب شوند که نظر آن‌ها بر اساس دانش و توانمندی‌های حرفه‌ای مرتبط با پژوهش حاضر، بتواند به

است که دانش‌آموزان طوری راهنمایی شوند که خودشان قادر به مطالعه مطالب درسی شوند. دانش‌آموزان با به کار گیری راهنمایی‌های مطالعاتی، راه خود را پیدا و طبق آن تکالیف ارزیابی مبتنی بر ساختار را تکمیل می‌کنند. ذکر این نکته لازم است که در هر چهار استراتژی تطبیق برنامه درسی، شاگردان بایستی به طور گروهی کار کنند و به فعالیت جمعی دست بزنند. (پریدمور، ۲۰۰۸)

توئین و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان تطبیق برنامه درسی برای ورود دانش‌آموزان با نیازهای آموزشی ویژه به کلاس‌های چندپایه نشان دادند که استفاده از فضای داخل کلاس، سازماندهی محیط یادگیری، روش تدریس مناسب، وسایل آموزشی و کمک آموزشی، ارزشیابی، تجارب معلم بیشترین نقش را در مدیریت کلاس‌های درس در مدارس چندپایه دارند. نایلرا (۲۰۱۱) با بررسی مسائل و توسعه راهکارهای تدوین الگو و برنامه‌ریزی برای کلاس‌های درس چند سطحی با دانش‌آموزان چندساله نشان دادند که معلمانی که هر روز در کلاس‌های درس به تدریس مشغول هستند، به طور مداوم با طیف وسیعی از پیچیدگی‌ها در طراحی و الگوی منظم در برنامه‌ریزی درسی و ارزیابی دانش‌آموزان مواجه هستند. آقازاده (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه‌ریزی درسی تلفیقی مدرسه محور برای مدارس روستایی با کلاس‌های چندپایه نشان دادند که الگوی برنامه درسی دارای ۹ عنصر اساسی از جمله نیازسنجی موقعیت جامعه محلی، تدوین اهداف/ بیان مقاصد، مشروعیت بخشی مقاصد، سازماندهی محتوا، تعیین تجارب یادگیری، تعیین نوع و شیوه ارزیابی عملکرد دانش‌آموز، سازگارسازی برنامه مدرسه محور تلفیقی با برنامه درسی ملی، اجرای برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی و بازخورد است که به وسیله ۱۵ نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی مورد اعتبار قرار گرفته است.

با توجه به اینکه بیشتر تحقیقات انجام گرفته در این حوزه در زمینه مسائل و نارسایی‌های کلاس‌های چندپایه انجام گرفته بود، هدف این تحقیق طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برای برنامه درسی کلاس‌های چندپایه بر اساس

شد و پس از اتمام جلسه مصاحبه، لفظ به لفظ متن مصاحبه پیاده شد. در این پژوهش به منظور رعایت نکات اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، فرد شرکت کننده از هدف انجام طرح و مصاحبه آگاه شد اطلاعات به دست آمده در مصاحبه بدون ذکر نام شرکت کنندگان استفاده شده است و به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که گفته‌های ایشان محرمانه خواهد بود مصاحبه کننده از گفته‌های افراد شرکت کننده در مصاحبه‌ها به طور دقیق و بدون هرگونه دخل و تصرف در صحبت‌های افراد استفاده کرده است. از آنجاکه روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق روش مصاحبه عمیق بود، سعی شد که مصاحبه‌ها با دقت و بدون سوگیری انجام شود تا به میزان کافی مطالب در مورد سؤالات پرسیده شود، به صورتی که اگر محقق دیگری در همان وضع یا وضع مشابه فرایند را تکرار کند به همان پاسخ‌ها یا پاسخ‌های مشابه دست یابد به عبارتی می‌توان گفت شیوه اصلی حفظ روایی و پایایی داده‌ها در این پژوهش، ثبت مصاحبه‌ها و تأیید توصیف‌های نهایی توسط متخصصین بود. الگوهای به دست آمده به شرح جدول زیر است:

تعیین اعتبار یافته‌های این مطالعه بپردازند. بدین منظور پرسشنامه‌ای که قبلاً تنظیم شده بود برای تعدادی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی ارسال گردید.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها در این پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی است. ابتدا در بخش کیفی با توجه به داده‌های به دست آمده در جریان مصاحبه مراحل کدگذاری انجام شد و بر اساس آن الگوی برنامه درسی کلاس‌های چندپایه مشخص گردید. در این بخش از روش مصاحبه عمیق جهت جمع‌آوری داده بهره گرفته شده است. مصاحبه‌ها توسط محقق به شیوه فردبه فرد و به صورت حضوری، در مدت ۴۰ دقیقه و در یک جلسه در محل کار افراد و در سازمان‌ها انجام شد. سؤالات در طی یک مصاحبه نیمه ساختاریافته مطرح شدند و افراد شرکت کننده به آن‌ها پاسخ دادند. سؤال اصلی مطرح شده در این بخش شامل این بود که برنامه درسی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی چگونه است؟ عبارات و نظرات مصاحبه شونده توسط دستگاه ضبط صوت، ضبط

جدول ۱. الگوی اصلی برنامه درسی چندپایه و ویژگی‌های دربرگیرنده پرتکرار الگوها

ردیف	الگوهای اصلی	ویژگی‌های الگوها
۱	اهداف برنامه درسی	عدالت آموزشی در مناطق محروم، کمبود نیروی انسانی، منابع و امکانات محدود، دستیابی به اهداف آموزشی سازمان آموزش و پرورش، نامناسب بودن راه‌های ارتباطی روستایی، عدم موافقت بعضی خانواده برای تحصیل دختران، مسئله انگیزشی خدمت معلمان در روستاهای کم جمعیت و فاقد امکانات، مشکل بودن اداره کلاس چندپایه به سبب ترکیب مختلف سنی و جنسیتی دانش‌آموزان
۲	روش تدریس مؤثر	آموزش معلم یاری و خودآموزی و هم شاگردی، آموزش با روش فراگیر محور به صورت بحث گروهی در کلاس‌های چندپایه، استفاده از روش‌های تدریسی تلفیقی، آموزش معلم یاری و خودآموزی و هم شاگردی، استفاده از روش محوری به عنوان روش پرکاربرد، استفاده از روش یادگیری خودتنظیمی، آموزش دادن دانش‌آموزان پایه پایین‌تر توسط دانش‌آموز پایه بالاتر
۳	بهره‌گیری از استانداردهای آموزشی	استفاده از منابع مکتوب، عدم جوابگویی استانداردهای آموزشی موجود با نیازهای این کلاس‌ها، توجه به فضا و ابزارهای آموزشی، تدوین کتب درسی ویژه کلاس‌های چندپایه، کاهش حجم کتاب‌ها و ایجاد محتوی کل به جز در کتب، استفاده از نیروی‌های انسانی متخصص در زمینه کلاس چندپایه، ایجاد منابع استاندارد برای کلاس چندپایه توسط برنامه ریزان و معلمان باسابقه تدریس در این کلاس‌ها
۴	چالش‌های بنیادی	کمبود تجربه‌های معلمان چندپایه، ناکافی بودن معلمان آموزش دیده، کمبود مواد آموزشی و امکانات مدارس چندپایه، مشکل مدیریت زمان در کلاس‌های چندپایه، عدم طراحی و تدوین برنامه‌های درسی متناسب با کلاس چندپایه، عدم مطابقت محتوا در مقایسه با زمان اختصاص یافته، عدم آشنایی معلمان با انواع روش تدریس مؤثر و مناسب در کلاس
۵	ارزشیابی کیفی توصیفی	استفاده از تکنیک‌های ارزشیابی توصیفی همچون خود سنجی و همسال سنجی،

ارزشیابی کیفی توصیفی منطبق بر روش برنامه‌ریزی چندپایه، محدود نشدن استفاده از یک روش و مدل خاص در ارزشیابی، تهیه چک لیست‌های فردی و گروهی در ارزشیابی، ارزشیابی با استفاده از روش معلم یار هر پایه، ناعادلانه شدن میدان رقابت مانند کنکور، ارزشیابی از طریق نظرات اولیا و والدی

- ۱۴ نفر از پاسخ دهندگان کاملاً موافقم و ۶ نفر موافقم فرصت‌های یاددهی و یادگیری را متناسب ارزیابی کرده بودند.
- ۱۶ نفر از پاسخ دهندگان کاملاً موافقم و ۴ نفر موافقم را برای نقش معلم را متناسب ارزیابی کرده‌اند
- ۱۵ نفر از پاسخ دهندگان کاملاً موافقم و ۵ نفر موافقم نقش گروه‌های پیش بینی شده در الگوی برنامه درسی مناسب ارزیابی کرده بودند.
- ۱۳ نفر از پاسخ دهندگان گزینه کاملاً موافقم و ۷ نفر گزینه موافقم در رابطه با مکان یادگیری و تدریس را مناسب دیده بودند.
- ۱۶ نفر از پاسخ دهندگان کاملاً موافقم و ۴ نفر موافقم زمان یادگیری را مناسب ارزیابی کرده بودند.
- ۱۵ نفر از شرکت کنندگان کاملاً موافقم و ۵ نفر موافقم شیوه‌های ارزشیابی را در این الگو ارزیابی کرده‌اند
- ۱۵ نفر از پاسخ دهندگان کاملاً موافقم و ۵ نفر موافقم را در خصوص مواد و منابع یادگیری ارزیابی کرده بودند؛ که نتایج آن‌ها به شرح جدول زیر است.

اعتبار سنجی الگوی به دست آمده در این بخش برای بررسی و اعتبار سنجی الگوی پیشنهادی از آمار توصیفی جهت نمایش فراوانی و نمرات درصدی هر بخش استفاده گردید. بدین صورت که با تنظیم پرسشنامه محقق ساخته به تعدادی از افرادی که می‌توانستند در این زمینه داوری کنند ارسال شد. این افراد شامل اساتید برنامه‌ریزی درسی بودند. پرسشنامه شامل نظرخواهی از شرکت کنندگان در اعتبار یابی درباره عناصر ده‌گانه در پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم بود. مجموعاً ۲۰ پرسشنامه مربوط به اعتبار یابی تکمیل و باز گردانده شد که شامل ۲۰ استاد دانشگاه و متخصص آموزش ابتدایی، بود؛ در مجموع پس از بررسی جواب‌ها نتایج زیر به دست آمد.

- ۱۵ نفر از پاسخ دهندگان کاملاً موافقم و ۵ نفر موافقم اهداف برنامه را معتبر داشته‌اند.
- ۱۳ نفر محتوای برنامه را در حد کاملاً موافقم ۷ نفر در حد موافقم مناسب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۲. خلاصه نتیجه اعتبار سنجی

عناصر حد موافقت	هدف	محتوا	نقش استاد	فرصت‌های یادگیری	گروه‌بندی	مکان	زمان	مواد و منابع	ارزشیابی
کاملاً	نفر ۱۵	۱۳	۱۶	۱۴	۱۵	۱۳	۱۶	۱۵	۱۵
موافقم	درصد ۷۵٪	۶۵٪	۸۰٪	۷۰٪	۷۵٪	۶۵٪	۸۰٪	۷۵٪	۷۵٪
موافقم	نفر ۵	۷	۴	۶	۵	۷	۴	۵	۵
درصد	۲۵٪	۳۵٪	۲۰٪	۳۰٪	۲۵٪	۳۵٪	۲۰٪	۲۵٪	۲۵٪
نظری	نفر ۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
درصد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کاملاً	نفر ۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مخالفم	درصد ۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مخالفم	نفر ۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
درصد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

کاملاً موافقم را ارزیابی کردند؛ که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

همچنین در ارتباط با مختصات کلی الگو و میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی، ۲۰ نفر گزینه

جدول ۳. مختصات کلی الگو و میزان سازگاری درونی عناصر و قابلیت اجرایی					
پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
میزان سازگاری درونی عناصر	۲۰				
قابلیت اجرای الگو	۲۰				
	٪۱۰۰				

بحث و نتیجه گیری

آموزش و پرورش یک حق عمومی است و هر کودکی حق دارد که از آموزش بهره‌مند گردد، از این رو ایجاد کلاس‌های چندپایه توانسته است در جهت تحقق این مهم در مناطق دور افتاده، روستایی و عشایری نقش بسزایی را ایفا کند. کلاس‌های چندپایه به موقعیتی گفته می‌شود که در آن یک آموزگار هدایت گروهی از فراگیران را در دو پایه تحصیلی یا بیشتر بر عهده دارد که هر پایه از نظر توانایی، اهداف آموزشی، ویژگی‌های سنی، گاه جنسیت و... متفاوت است. این کلاس‌ها با حضور فراگیران (دختر، پسر یا مختلط)، در یک چادر یا اتاق درس تشکیل و اداره می‌شود. در این کلاس‌ها، معلم بیش از یک ماده درسی را در طی چند ساعت متوالی در پایه‌های مختلف تدریس می‌کند. کلاس‌های چندپایه برنامه درسی خاص یا منحصر به خود ندارد و آموزگار کلاس با وجود فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی که پیش روی خود دارد باید برنامه درسی از پیش تعیین شد (مرتضوی زاده، ۱۳۹۴).

رویکرد آموزشی چند پایگی با وجود فرصت‌هایی که دارد، همواره خود را با چالش‌هایی روبرو می‌بیند که پوشش و به حداقل رساندن آن نقش مهمی در تحقق اهداف والای آموزش و پرورش و همچنین کلاس‌های چندپایه، ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها که امروزه ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود مشغول کرده است «سازگاری برنامه درسی چندپایه» است. برنامه‌ریزی درسی واقع‌گرایانه، مستلزم مشارکت کلیه نیروهای اثرگذار و درگیر در مراحل گوناگون تصمیم‌گیری است که در میان آن‌ها، معلمان از اهمیت و

جایگاهی ویژه برخوردارند. معلمان به سبب آشنایی با مسائل و نیازهای دانش‌آموزان، مدرسه و تجربیات ارزشمندی که در سایه تعامل با یادگیرندگان به دست می‌آورند، مهم‌ترین عنصر در موفقیت برنامه‌های درسی هستند و در صورتی که در زمینه‌ی جایگاه، نقش و زمینه‌سازی مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با برنامه درسی تأملی عمیق و جامع صورت پذیرد، اثربخشی برنامه‌های درسی بهبود چشمگیر خواهد یافت. تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی درسی، دارای قلمرو گسترده‌ای است که گروه‌های متعدد و مختلفی به دنبال تأثیرگذاری و سهم‌پذیری در تصمیمات مربوط به برنامه درسی هستند (کلاین، ۱۹۹۱).

از این رو، یکی از مهم‌ترین محورهایی که نظام آموزش و پرورش در سال‌های اخیر مطرح کرده و بر آن است تا در راستای آن اقدام نماید، «مدرسه محوری» و واگذاری اختیارات بیشتر به مدارس در زمینه امور گوناگون مانند، برنامه‌های درسی است. در بررسی مطالعات مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری برنامه درسی، به دیدگاه صاحب نظرانی همچون بورك، کلاین، سابار، تونن و بولز، گودلد، الباز و... برمی‌خوریم که هر یک از آن‌ها با الهام از پیشینه موضوع، به نقش و جایگاه معلمان در فرآیند تصمیم‌گیری برنامه درسی اشاره دارند. برای نمونه سابار، در سطح سازماندهی اعتقاد دارد که قوه ابتکار و تجربه معلم در ارتباط بین جنبه‌های مختلف برنامه درسی و راه‌های عرضه مواد آموزشی دخالت عمده دارد و در مرحله اجرا، معلم با فراهم کردن فرصت‌های مناسب یادگیری، به رشد شخصیت دانش‌آموز کمک می‌کند (گویا و ایزدی، ۱۳۸۱). همچنین تونن و بولز سه نقش

عنوان یکی از الگوهای زیر بنایی برنامه درسی در قالب سازگاری برنامه چندپایه، تبیین و بررسی می‌شود. ویژگی‌های اهداف برنامه درسی چندپایه؛ در واقع این اهداف چارچوب و چشم‌اندازی از برنامه درسی در اختیار معلمان چندپایه قرار می‌دهد تا معلم بتواند بر اساس آن‌ها دست به تغییر و یا سازگاری محتوای متناسب با موقعیت و شرایط کلاس خود بزند. همچنین معلم چندپایه، می‌تواند با استفاده از این اهداف به تشریح دروس پرداخته، ارتباط طولی و عرضی دروس ابتدایی را شناسایی و به وسیله آن به طراحی شیوه‌های آموزشی تخصصی چندپایه بپردازد و حتی می‌تواند به گونه‌ای تولید محتوا کند

ویژگی‌های محتوایی برنامه درسی چندپایه؛ عنصر دوم برنامه درسی از دیدگاه کلاین محتوا است. محتوا به صورت مجموعه‌ای از حقایق، ایده‌ها، مفاهیم، فرآیندها، تعمیم‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان با آن‌ها در تعامل بوده و در برنامه درسی آن‌ها را تجربه می‌کنند. معلم چندپایه، با توجه به اهداف و مقاصد و تطبیق دروس با محتوا، می‌تواند از کم و کیف محتوا آگاه و متناسب با شرایط کلاس خود، تعداد پایه‌ها، سطوح مختلف یادگیری دانش‌آموزان، تفاوت‌های فردی و... به سازگاری محتوا بپردازد طراحی سایر عناصر در گرو طراحی مناسب هدف و محتوا است.

ویژگی‌های مواد و منابع آموزشی برنامه درسی چندپایه؛ شامل موضوعات، محیط‌ها و افرادی هستند که برای تسهیل فرآیند یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. منابع انسانی، کتاب‌های درسی، مجلات علمی، رایانه‌ها و انواع دیگر فناوری دیداری و شنیداری، بازی‌ها، وسایل آموزشی و ابزار ثابت آموزشی مانند، گچ و تخته، از جمله مواد و منابع آموزشی در برنامه درسی هستند، معلم چندپایه می‌تواند با توجه به محتوای سازگار شده، منابع جدید و سازگاری نیز تدارک ببیند. با توجه به کمبود این منابع در کلاس‌های چندپایه می‌توان برای چاره‌اندیشی به راهبردهای حمایتی و مساله‌مدار متوسل شد، البته بهتر است در وهله اول معلم چندپایه برای

اساسی برای معلمان در جهت بهبود تدریس مطرح کرده‌اند. این نقش‌ها عبارت‌اند از: معلم به عنوان محقق، معلم به عنوان مربی دانشجو - معلمان و معلم به عنوان طراح برنامه درسی. بورک نیز در نظام آموزشی مدرسه‌ای، نقش‌هایی نظیر، معلم به عنوان مربی همکاران جدیدالورود، معلم به عنوان محقق، معلم به‌عنوان مولد دانش (از طریق پژوهش‌های فرا مدرسه‌ای)، معلم به عنوان ناظر، معلم به عنوان مربی همکاران مدرسه، معلم به عنوان مشاور و معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی را مطرح می‌نماید. تدارک امکانات و منابع مالی، تفویض اختیارات بیشتر به مدارس و معلمان و فرهنگ‌سازی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر برافزایش مشارکت معلمان در برنامه درسی است. همچنین مهم‌ترین قلمروهای مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی را می‌توان در عرصه‌هایی چون انتخاب برنامه یا کتاب درسی، سازگاری و تعدیل برنامه درسی، تلفیق برنامه درسی، تکمیل و به سازی برنامه درسی، طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی جستجو کرد (فتیحی و همکاران، ۱۳۸۱).

با توجه به آنچه مطرح شد، برنامه درسی کشور ما متمرکز بوده و این کار را تا حدودی برای چند پایگی سخت می‌کند؛ این در حالی است که در برخی از کشورها با تغییر در مدل برنامه درسی به یک برنامه ایده آل برای کلاس‌های چندپایه دست یافته‌اند؛ از این رو بررسی سازگاری برنامه درسی، مختص کلاس‌های چندپایه، ضرورت می‌یابد. در همین راستا، به بررسی نقش معلم چندپایه در سازگاری برنامه درسی با تأکید بر عناصر نه‌گانه فرانسیس کلاین است.

هرچند معلمان نقش کمی حتی در همان برنامه درسی متمرکز دارند؛ اما در سازگاری برنامه درسی در حیطه چند پایگی، می‌توانند موفق عمل کرده و نقش خود را پر رنگ‌تر نمایند. معلمان چندپایه، با توجه به شرایط کلاس‌های چندپایه و همچنین استفاده از روش‌های آموزشی مختلف، می‌تواند در تجزیه و تحلیل و به‌کارگیری مواد درسی استفاده کنند. معلم چندپایه در امر سازگاری برنامه درسی، نیاز به الگوهای پایه‌ای برنامه‌ریزی درسی دارند؛ لذا در ذیل عناصر نه‌گانه فرانسیس کلاین به

به خود می‌گیرد که در چنین شرایطی از نظر زمانی نیز صرفه‌جویی به عمل می‌آید.

ویژگی‌های مکانی برنامه درسی چندپایه؛ آخرین عنصر کلان در برنامه درسی مکان است؛ که معلم چندپایه، با توجه به محل تشکیل کلاس، ابعاد مختلف مکان تدریس را طراحی می‌کند. مدیریت فیزیکی کلاس درس از مهم‌ترین برنامه‌ها مکانی کلاس‌های چندپایه است. با نظر به آنچه گذشت، معلمان، هسته اصلی برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شوند و مشارکت معلمان در فرایند طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی، عنصر کلیدی بهبود برنامه‌ها به حساب می‌آید؛ اما این مهم در امر برنامه‌ریزی متمرکز درسی در کشور نادیده گرفته شده و معلمان در این زمینه جایگاهی ندارند. با در کنار هم قرار دادن مسائلی چون سیستم حاکم بر برنامه درسی کشور (متمرکز بودن)، همچنین عدم تعدیل این سیستم، به‌کارگیری سیستم برنامه‌ریزی درسی ویژه چندپایه و البته عدم جایگاه معلمان در طراحی برنامه درسی، یافته‌ها از نقش معلم چندپایه در سازگاری و بومی‌سازی برنامه درسی متمرکز و رسمی کشور، حکایت می‌کنند. در همین راستا، معلمان چندپایه باید در امر بومی‌سازی، سازگاری و تطابق برنامه درسی با شرایط و موقعیت جامعه محلی کوشا بوده و در این راه از هیچ تلاشی فرو نگذارند؛ البته که معلم چندپایه در این مهم با دشواری‌ها و چالش‌هایی روبرو است، اما اجرای آن تأثیری بس شگرف و بسزایی در فرآیند یاددهی-یادگیری دارد. در واقع معلم چندپایه با تکیه بر قدرت انعطاف‌پذیری که در برنامه درسی دارد، می‌تواند با تأمل بر چارچوب‌های اساسی و سبک‌های مختلف برنامه درسی، - هرچند اندک و کوتاه - در قلمرو وظایف و حیطه کاری خود، به سازگاری و حتی بومی‌سازی برنامه درسی، اقدام نماید.

تمام ویژگی‌های ذکر شده برای عناصر برنامه درسی مستخرج از منطق طراحی برنامه درسی کلاس‌های چندپایه و با اصولی که متخصصان برنامه درسی برای عناصر دارند و به آن معتقدند مورد مقایسه قرار گرفت و میزان همخوانی درونی آن اصول و عناصر با همدیگر بررسی شد

تأمین و تدارک این مواد از منابع محلی موجود استفاده نماید.

ویژگی‌های فعالیت‌های برنامه درسی چندپایه؛ این عنصر در برگرفته دامنه وسیعی از فعالیت‌های دانش‌آموزان است که شامل حفظ کردن، گوش دادن، خواندن، نقش بازی کردن، منعکس کردن یک ایده، گردش علمی و... است. معلم چندپایه، با استفاده از شیوه‌های آموزشی تخصصی کلاس‌های چندپایه و همچنین با تکیه بر الگوی آموزشی دانش‌آموز محور، می‌تواند متناسب با سطوح یادگیری و تفاوت‌های فردی در طراحی فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان نقش به‌سزایی داشته باشد. معلم چندپایه با طراحی به جا و مناسب این فعالیت‌ها در کل فرآیند یاددهی - یادگیری راه خود را هموار می‌سازد.

ویژگی‌های راهبردی تدریس برنامه درسی چندپایه؛ به عنوان نقشی که معلم بر عهده می‌گیرد یا تدابیری است که به منظور تسهیل یادگیری اندیشیده می‌شود. معلم چندپایه، با تکیه بر شیوه‌های آموزشی و روش‌های تدریس متناسب کلاس‌های چندپایه می‌تواند در ایفای این نقش موفق ظاهر شود.

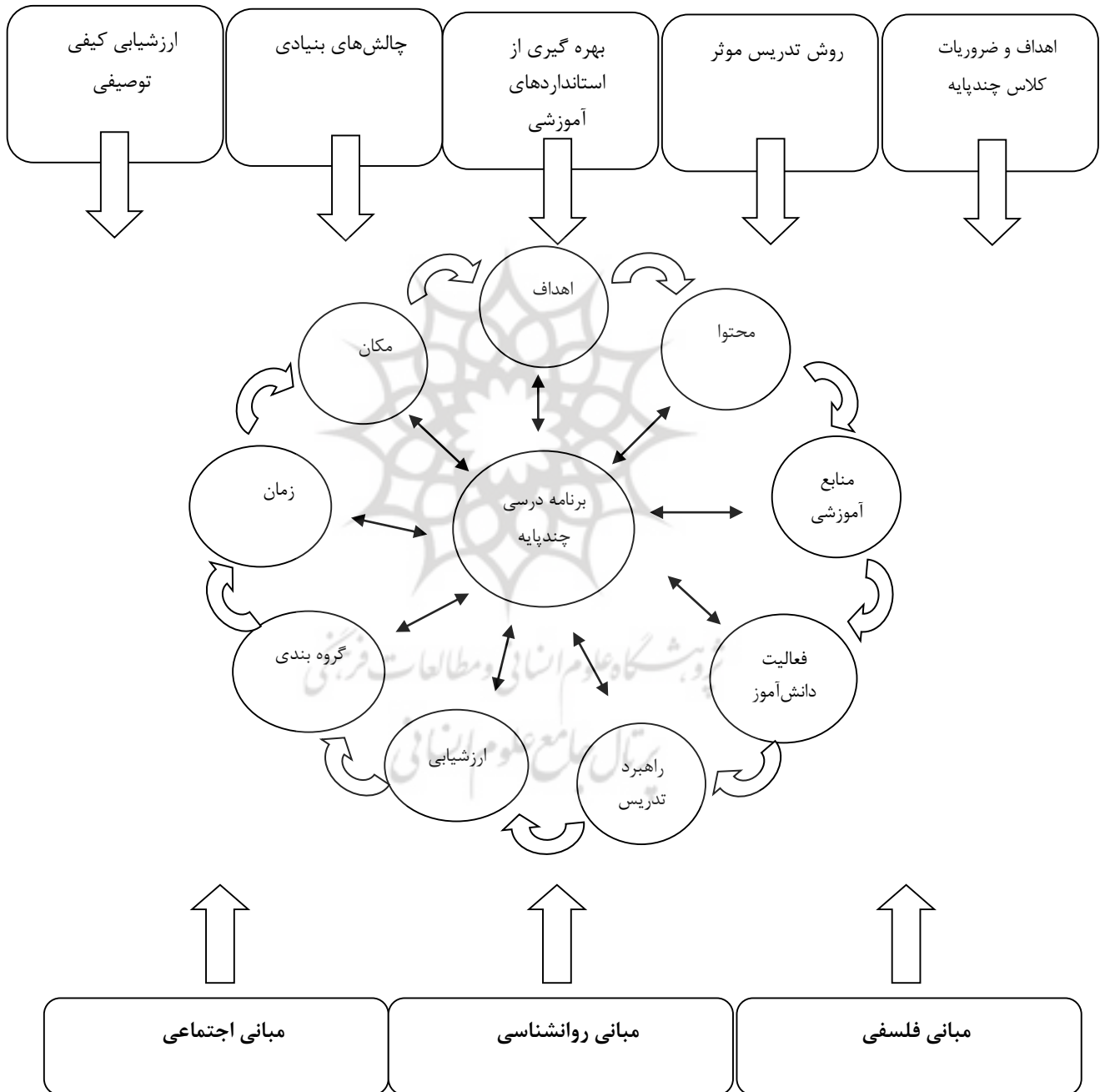
ویژگی‌های ارزشیابی برنامه درسی چندپایه؛ شامل شیوه‌های سنجش یادگیری دانش‌آموزان است. ارزشیابی باید بر اساس آموزش صورت گیرد. معلم چندپایه باید در نظر داشته باشد که از ابزارهای مختلف برای این امر استفاده نموده و سیستم ارزشیابی باید تابع رویکرد کیفی - توصیفی باشد.

ویژگی‌های گروه‌بندی برنامه درسی چندپایه؛ گروه‌بندی در جهت تسهیل فرآیند یادگیری دانش‌آموزان انجام می‌شود. یکی از مهم‌ترین راهبردها برای آموزش چندپایه در هر روشی، استفاده از گروه‌بندی است.

ویژگی‌های زمان برنامه درسی چندپایه؛ از عناصر اساسی برنامه درسی است. زمان یکی از محدودیت‌های اصلی کلاس‌های چندپایه، است که با استفاده از برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند تا حد زیادی می‌توان آن را مدیریت کرد. در واقع به‌کارگیری روابط طولی و عرضی در تدوین اهداف، محتوا سازماندهی و نظم بهتری

در داخل کشور، موجود نبودن منابع مربوط به الگوهای برنامه درسی چندپایه و عدم دسترسی به منابع دسته اول برای جمع آوری اطلاعات در مورد الگوهای برنامه درسی نمونه‌های مطالعه تطبیقی از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. در پایان از کلیه متخصصان تعلیم و تربیت و اساتید دانشگاه که در زمینه تحقیق مورد نظر و به نتیجه رسیدن آن نقش داشتند، تشکر می‌گردد.

و در تمامی موارد بین ویژگی‌های مستخرج از منطق برنامه درسی کلاس‌های چندپایه با اصولی که متخصصان به آن معتقدند همخوانی و هماهنگی وجود داشت و با توجه به منطق برنامه درسی ویژگی‌های کلاس‌های چندپایه بر تکلیف بر اساس الگوی اگر الگوی نهایی در نمودار ۱ ارائه شده است. کمبود تحقیقات پیشین و منابع قابل دسترس، به ویژه در ارتباط با برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های چندپایه



نمودار ۱. الگوی برنامه درسی کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب و مفروضه‌های جهانی

- to support inclusive education. *European journal of special needs Education*, 1-16
- Bandura, A. (1977). Self efficacy: Toward a unifying theory of behavior change. *Psychological review*, 48, 191 - 215.
- Brown, B.A. (2010). Teachers' accounts of the usefulness of multi-grade teaching in promoting sustainable human development related outcomes in rural South Africa. *Journal of Southern African Studies*, 36(1):189-207.
- Create, u. (2011), How Classroom Age Composition Affects Pupil Achievement: Evidence From Multi-grade Classes. (ENSA-CREST), Carnegie Mellon University
- Klein, M. F. (1991). A conceptual framework for curriculum decision making in the politics for curriculum decision making. NY: state university of New York press.
- Mulkeen, A.G. & Higgins, C. (2009). Multigrade Teaching in Sub-Saharan Africa, Lessons From Uganda, Senegal, and The Gambia. World Bank Working Paper, NO.173.
- Mulyan, C. (2008). The Preparation of Teaching and Teacher Education, College of Duplicity University, 23(4), 511-512.
- Nayler, J. (2011). Planning issues and strategies for P-10 multiple year level classrooms. Queensland Studies Authority.
- Pridmore, P. (2008). Adapting the primary-school curriculum for multigrade classes in developing countries: a five-step plan and an agenda for change. *Journal of Curriculum studies*, 39(5), 559-576
- Quail, A., & Smyth, E. (2014). Multigrade teaching and age composition of the class: The influence on academic and social outcomes among students. *Teaching and Teacher Education*, 43, 80-90.
- Toyin M. Adewumi, Symphorosa Rembe, Jenny Shumba, and Adeola Akinyemi. (2017). Adaptation of the curriculum for the inclusion of learners with special education needs in selected primary schools in the Fort Beaufort District. *African Journal of Disability*, 19, 320-335.
- منابع**
- آقازاده، محرم. (۱۳۹۳). راهنمای روش‌های نوین تدریس. تهران: نشر آبیژ
- آقازاده، محرم (۱۳۸۵). طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه‌ریزی درسی تلفیقی مدرسه محور برای مدارس روستایی با کلاس‌های چندپایه. رساله‌ی دکتری دانشگاه تربیت معلم تهران.
- اناری نژاد، عباس و ریحانپور، میلاد (۱۳۹۵). مدیریت و برنامه‌ریزی درسی در کلاس‌های چندپایه. شیراز: شیوا رسا
- بازرگان، عباس (۱۳۸۸). ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- برومند ناهید، میلاد ریحانپور، انسیه شاکری، محدثه گوهریان. (۱۳۹۶). پیش نیازهای اساسی کارکرد برنامه‌ریزی، در مدیریت کلاس‌های چندپایه. سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی نوین تربیتی. تهران: نشر آگاه.
- فتحی، کوروش و اجارگاه. (۱۳۸۱). امکان‌سنجی مشارکت معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی در نظام آموزش و پرورش ایران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۳، شماره ۸.
- فضلی، رخساره. (۱۳۸۹). خودآموز تدریس چندپایه. تهران: نشر آبیژ.
- مرتضوی زاده، سید حشمت‌الله؛ محمدرضا نیلی؛ احمدرضا نصرافهانی؛ محمد حسنی. (۱۳۹۷). واکاوی دیدگاه معلمان در خصوص مشکلات اجرایی طرح ارزشیابی کیفی توصیفی در کلاس‌های چندپایه و ارائه راهکارهایی برای رفع آن‌ها. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۱۵، ۹۳-۸۰: کورش.
- Ann Marie Casserly/ Bairbre Tiernan & Gabrielle Maguire (2019). Primary teachers perception of multi-grade classroom grouping practices